
تأثیر متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت

امید درویشی^۱

تاریخ تحویل: ۱۳۸۷/۷/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

۱. دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

چکیده

فرهنگ مهدویت، فرهنگی است بسیار غنی که از دیرباز تاکنون در حوادث مختلفی خودنمایی کرده است. یکی از حوادثی که فرهنگ مهدویت در آن نقش اساسی داشتند، قیام ملت ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام می‌باشد. در پی این قیام، ملت ایران، وارد جنگی شد که براو تحمیل کردند.

بی‌شک، فرهنگ مهدویت تأثیراتی بر دفاع مقدس داشته است. در این مقاله، به برخی از این تأثیرها اشاره شده است، از جمله تبعیت از نایب امام زمان علیه السلام، افتخار سربازی برای امام عصر علیه السلام و ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام که باعث شد حضور مردم در جبهه‌ها بیشتر گردد. در ادامه، به برخی از تأثیرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدویت اشاره شده است و در پایان، به برخی از صفات یاران امام زمان علیه السلام که شهدای ما در عمل این صفات را تفسیر کرده‌اند، اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ مهدویت، دفاع مقدس، امام خمینی قدس سره، جنگ، شهدا، نایب امام زمان علیه السلام، ارتباط با امام زمان علیه السلام.

با نگاهی گذرا به انقلاب اسلامی ایران، می‌فهمیم که این انقلاب، حوادث تلخ و شیرین زیادی را پشت سر گذاشته است. هر کدام از این حوادث، جلوه خاصی به این انقلاب شکوهمند داده است. یکی از این حوادث حساس، جنگی ناجوانمردانه بود که برضد این انقلاب آغاز شد، آحاد ملت ایران، برای دفاع از دین و تمامیت ارضی

خود، وارد عمل شدند و مقطعی حساس و درعین حال بسیار درخشان در تاریخ این انقلاب عظیم به وجود آوردند که از این مقطع، به دوران «دفاع مقدس» یاد می‌شود. هشت سال دفاع مقدس، دارای ابعاد و زوایای گوناگونی می‌باشد که با بررسی هر یک از این ابعاد، در می‌یابیم فرهنگ‌های ناب و ارزشمند دینی را در درون خود جای داده است. یکی از این فرهنگ‌های اصیل، فرهنگ مهدویت است که در دوران دفاع مقدس، جلوه خاصی یافت و درخشان‌تر از گذشته شد، دفاع مقدس در ترویج فرهنگ مهدویت، نقش بسزایی داشته است و فرهنگ مهدویت نیز در به وجود آمدن این دفاع سرشار از قداست، نقش مؤثری ایفا کرده است. در این نوشتار، کوشیده‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم که تأثیر متقابل بین فرهنگ مهدویت و دفاع مقدس چه بوده است؟

با توجه به معنای فرهنگ که عبارت است از «دانش، ادب، علم و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت»، «مجموعه آداب و رسوم»^۱، می‌توان بیان کرد که فرهنگ مهدویت، به معنای مجموعه‌ای از دانش‌ها، آداب و علوم مربوط به حضرت بقیةالله (علیه السلام) می‌باشد. به عبارتی دیگر، فرهنگ مهدویت، به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به ظهور موعود از سلاله پاک پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اطلاق می‌شود.^۲

طبق آیه شریف ۱۰۵ سوره انبیاء^۳ این فرهنگ قدمتی دیرینه دارد و همه ادیان الهی به ظهور یک منجی بشارت داده‌اند؛ ولی در دین اسلام، به واسطه تعالیم قرآن کریم و بیانات پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) و همچنین مجاهدت علمی و

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ ش، ص ۸۷۲.

۲. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ چهارم، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۵۳۸.

۳. غلامرضا بهروزلک، «اهمیت مهدویت در نظرخواهی از دانشوران» فصلنامه انتظار، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم، ۱۳۸۳، ص ۳۱ - ۵۳.

۴. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

فرهنگی علمای شیعه، ابعاد این فرهنگ، بیشتر آشکار شد.

تأثیر فرهنگ مهدویت بردفاع مقدس

با توجه به مفهوم انتظار که عبارت است از «چشم به راه بودن» و این که منتظر واقعی، چشم به راه آمدن آینده‌ای روشن است، - آینده‌ای که در آن، تحولاتی عظیم در عرصه‌های مختلف جامعه ایجاد شود - می‌فهمیم که انتظار، با سرشت و فطرت تمام مردم سازگاری دارد.

میان تمام جوامع بشری، جامعه شیعی با دیدی عمیق‌تر به مسأله انتظار می‌نگرد و انتظار را آینده‌ای سرشار از خوبی‌ها و پاکی‌ها می‌داند که توسط فردی از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاصل می‌شود، شخصیت عظیمی که زنده است و روزی تمام خوبی‌ها و تمام عدالت را در جهان حاکم می‌کند. این دید عمیق به مسأله انتظار را از کلمات معصومان علیهم السلام برداشت کرده است که فرموده‌اند: زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده است.^۱

با دقت در روایات زیادی که درباره فرهنگ مهدویت وجود دارد و حتی به تواتر رسیده است، می‌بینم دسته‌ای از آن روایات، به آماده کردن بستر این قیام جهانی اشاره دارد. طی این روایات، تمام انسان‌های منتظر دعوت شده‌اند که به اندازه سعی و توان خود بکوشند تا ظهور امام عصر علیه السلام نزدیک‌تر شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر یک از شما باید برای خروج قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است عمرش را طولانی کند، تا آن حضرت را درک کند.^۲

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، (ذیل کلمه انتظار) ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش، ص ۳۶۴.
۲. این حدیث را همه چهارده معصوم بیان کرده‌اند و در کتب عامه و مصادر شیعی آمده است: «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا».
۳. «لِیَعْدُنَ أَحَدُکُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبْتِهِ رَجَوْتُ لَطُولَ فِی عَمَرِهِ حَتَّى یَدْرَکَهُ»؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، قم، نورالهدی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

لذا هر شخص منتظر وظیفه دارد مقابل کج روی ها و ظلم ها و ستم ها مبارزه کند و جامعه را به سمت آینده ای روشن پیش ببرد و در این راه، از هیچ تلاشی - حتی دادن جان خود - دریغ نکند. به دلیل این نوع تفکر است که در تاریخ تشیع، نبردها و مبارزات زیادی به وجود آمده است که نشان دهنده زنده بودن فرهنگ تشیع است؛ لذا در مکتب تشیع، تن دادن به حکومت هر حاکمی اشتباه است. جان دی استپل می گوید: «از نظر تاریخی اسلام شیعه معتقد است که هر دولت غیرمذهبی، ذاتاً فاسد است»^۱.

همچنین وعاظ السلاطین مورخ معروف اهل تسنن می گوید:

به عقیده شیعه، هر حکومتی غاصب و ظالم است به هر شکل و در هر قالبی که باشد، مگر آن که امام معصوم یا نایب او، حکومت را در دست گیرد، به همین دلیل شیعه در تاریخ، به طور مداوم در یک جریان انقلابی مستمر به سر می برند، نه آرام می گرفتند و نه آن را رها می کردند^۲.

یکی از مهم ترین مبارزات شیعی در سده های اخیر، جنگ دو کشور ایران و عراق می باشد که اگر دقیق ریشه یابی شود، برای تشکیل حاکمیت اسلام شیعی می باشد، تا زمینه را برای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم کند. با نگاهی دقیق به جنگ تحمیلی می فهمیم که این جنگ را نگرشی همراهی می کرد که در پیروزی آن، بسیار مؤثر بود. آن نگرش، چیزی نبود جز نگرش انتظار و عجزین شدن این جهاد عظیم با فرهنگ مهدویت؛ چون فرهنگ مهدویت با فرهنگ استکبار و زورگویی، کاملاً متضاد می باشد و به همین دلیل، یک شخص منتظر، مستکبر نیست؛ بلکه مستکبر ستیز است و هر جا ظلم و ستمی ببیند، مقابل آن، قد علم می کند؛ به همین دلیل است که رزمنده های ما با سلاح «یا مهدی» و «یا حسین» و... به صفوف دشمن حمله می کردند و با سردادن این شعارها و رجزها روحیه می گرفتند. سرلشکر حسن

۱. رحیم کارگر «انتظار و انقلاب» فصلنامه انتظار، سال اول، شماره دوم، ص ۱۲۶ - ۱۴۶.

۲. مسعود پورسید آقایی، تاریخ عصر غیبت، قم، انتشارات حضور، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۷۶.

فیروزآبادی می‌گوید: «همه آن‌هایی که جبهه رفتند، تربیت شده انتظار مهدی علیه السلام بودند؛ همان چیزی که باعث شد جوان ایرانی، جنگ جو باشد».

فرهنگ مهدویت، در دفاع مقدس و شکل‌گیری آن، نقش‌های مؤثری داشته است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱. پیروی از نایب امام زمان علیه السلام

این کلام ناب حضرت مهدی علیه السلام که می‌فرماید: «و اما در رویدادهایی که در آینده پیش می‌آید، به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر ایشانم»^۱، وظیفه شخص منتظر را در عصر غیبت به خوبی روشن می‌کند؛ به همین دلیل، مردم شجاع ایران با تبعیت از نایب امام زمان علیه السلام در عصر خود، راهی جبهه‌های جنگ شدند؛ چون می‌دانستند امام خمینی علیه السلام در جایگاه نایب عام امام عصر علیه السلام نگاهش را از خط سبز مهدویت گرفته است و از مصادیق بارز «روایة حدیثنا» می‌باشد؛ به همین دلیل دارای جاذبه‌ای معنوی بود و بسیجی‌ها پروانه‌وار، گرد شمع وجودش می‌چرخیدند و عاشق او بودند؛ چرا که عاشق امام زمانشان بودند و عشق به امام راحل را در راستای عشق به امام عصر علیه السلام می‌دانستند. آنان، معتقد بودند هر عشقی بدون عشق به امام زمان علیه‌السلام به کار آنان نمی‌آید و اگر امام راحل حرفی می‌زد و دستوری صادر می‌کرد، دوستدارنش به هر قیمتی که بود، خواسته آن بزرگوار را اطاعت می‌کردند؛ چون واقعاً درک کرده بودند که خواسته امام راحل در راستای خواسته امام عصر علیه السلام می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های امام امت علیه السلام حفظ نظام و مبارزه و جهاد در راه اسلام و ارزش‌های اسلامی و مهدوی بود. این که امام علیه السلام می‌فرمود: «امروز، جنگ

۱. خبرنامه همایش دکترین مهدویت، شماره هشتم، ص ۱۶.

۲. «واما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم»، طبرسی، *احتجاج*، ص ۲۸.

بین اسلام و کفر است و بر همهٔ مسلمین واجب است دفاع کنند^۱. و این که می‌فرمودند: «من به تمام جهانیان با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آن‌ها خواهیم ایستاد و تا نبودی همهٔ آن‌ها از پای نخواهیم نشست^۲». به خاطر حفظ اسلام بود. مردم نیز حضور در جبهه‌ها را از وظایف شرعی خود می‌دانستند.

یک پژوهش آماری در تعدادی از وصیت‌نامه‌های شهدا نشان می‌دهد که در هر وصیت‌نامه‌ای به طور میانگین، چهار بار به نام امام، ولایت و امام زمان علیه السلام و تبعیت محض از ولایت فقیه ذکر شده است^۳.

این که شهید حاج محمد ابراهیم همت می‌فرماید: «پیام من فقط همین است: در زمان غیبت، اطاعت محض از ولایت فقیه داشته باشید^۴» نشان دهندهٔ این مطلب است که رزمندگان ما با تمام وجود از ولی امر و نایب امام زمان خودشان تبعیت می‌کردند. چه بسیارند پیام‌ها و وصیت‌نامه‌هایی که نشان دهندهٔ این مطلب مهم می‌باشند!

شهدای ما و یا رزمندگان ما در طول هشت سال دفاع مقدس، انتظار و اعتقاد به امام عصر علیه السلام را با پیروی از ولایت فقیه، در عمل و بسیار ملموس به ما نشان دادند. آنان، چون واقعاً اعتقاد داشتند که راهشان و هدفشان و مکتبشان اسلامی و مهدوی است، مشتاقانه وارد جبهه‌های جنگ می‌شدند.

۲. ایجاد ارتباط معنوی

یکی دیگر از تأثیرات فرهنگ مهدویت بر دفاع مقدس، این نکته است که بسیاری از

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۳۹.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

۳. علی تقی زاده اکبری، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۱۶۱.

۴. ابراهیم رستمی، طنین همت، قم، نشر جمال، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش، ص ۵.

رزمندگان برای یافتن ارتباط معنوی و حتی دیدار و ملاقات با حضرت بقیة الله (علیه السلام) در جبهه‌ها حاضر می‌شدند. بی‌شک در دوران هشت سال دفاع مقدس، افراد زیادی توانستند با حضرت مهدی (علیه السلام) ارتباط معنوی خوبی برقرار کنند؛ چون محیط سرشار از معنویت جبهه‌ها این زمینه را برای آنان فراهم می‌نمود و آنان، با مناجات‌های شبانه با آن حضرت و فریادهای روزانه «یا مهدی ادرکنی» در هنگام نبرد، اعتقاد به فرهنگ مهدویت را در خود عمیق‌تر می‌کردند.

وصیت‌نامه‌ها، خاطرات و دست‌نوشته‌هایی که از دوران دفاع مقدس از آن عزیزان سفر کرده برجای مانده، دریایی است از فرهنگ مهدویت که ارتباط‌ها، و حتی ملاقات‌ها و زمزمه‌های دلتنگی زیادی در آن‌ها موج می‌زند. اگر در این آثار برجای مانده از آنان، دقت کنیم، به این نکته می‌رسیم که با توجه به حجم عظیم این قبیل خاطرات و آثار مکتوب، ارتباط و ملاقات با آن حضرت برای برخی از رزمندگان حاصل شده است.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک زیارت کرده‌اند؛ بسیاری، از نزدیک با او بیعت کرده‌اند، بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند، بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیاری دیگر بدون این که او را بشناسند، از او لطف و محبت دیده‌اند و او را شناخته‌اند. در همین جبهه‌های جنگ تحمیلی، جوان‌هایی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کرده‌اند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کرده‌اند، شناختند و نفهمیدند.... پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر مهدی موعود (علیه السلام) عزیز یک پیوند ناگسستنی است.^۱

۱. مرتضی نائینی «جان و جانان» فصلنامه انتظار موعود، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۹ - ۶۰.

۳. افتخار سربازی امام عصر (ع)

یکی دیگر از تأثیرات فرهنگ مهدویت بر دفاع مقدس، این است که رزمنده‌ها خودشان را سرباز امام عصر (ع) می‌دانستند و معتقد بودند این مملکت، مملکت امام زمان (ع) و رهبر واقعی آنان، آن حضرت است. آنان پذیرفته بودند آن کسی که در جبهه‌ها فرماندهی می‌کند، خود حضرت می‌باشد و با این دید وارد جبهه‌ها می‌شدند؛ لذا نه تنها خسته نمی‌شدند، بلکه با تمام وجود در این راه گام برمی‌داشتند و سختی‌ها و مشکلات را با جان و دل می‌خريدند. امام خمینی (ع) چقدر زیبا درباره آن بزرگواران بیان فرموده است که:

همه شما چه ارتش چه ژاندارمری، چه سپاه پاسداران و داوطلبانی که برای دفاع از اسلام و دفاع از شرافت اسلامی خودشان به جبهه‌ها می‌روند؛ همه شما لشکرهای اسلامی هستید. همه شماها ارتش امام زمان هستید.^۱

دست‌نوشته‌ها و وصیت‌نامه‌های شهدای ما، سرشار از مطالب ناب و ارزشمندی است که بزرگان ما همواره به خواندن این وصایا سفارش می‌کرده و می‌کنند. امام خمینی (ع) در این باره می‌فرماید: «پنج‌جاه سال عبادت کردید؛ قبول باشد. یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید^۲». گوشه‌ای از این وصیت‌نامه‌ها به این مطلب اختصاص دارد که اداره کننده این جنگ، امامان معصوم (ع) به ویژه امام زمان (ع) می‌باشد؛ برای نمونه در بخشی از وصیت‌نامه شهید ناصر محمدخانی که در تابستان ۱۳۶۱ ش به فیض شهادت رسیده، به این نکته چنین اشاره شده است: «ما هیچ نگرانی نداریم؛ چون فرمانده ما امام زمان (ع) است و در جلوی ما حرکت می‌کند^۳». او در ادامه از یک امداد غیبی خبر می‌دهد که امام عصر (ع) عنایتی به ایشان و

۱. امام خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۷-۱۴۶.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۴۹۱.

۳. محمد اصغری‌نژاد، یک فروغ از رخ ساقی، قم، امام سجاد، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۵۴. رک: متن وصیت‌نامه این عزیز در بنیاد شهید قم.

همزمانش کرده است و آنها را از رفتن به یک میدان مین بازداشته است. دوران دفاع مقدس، سرشار از این حوادث و امدادهای غیبی است که در کتب مربوط به حماسه‌سازان جنگ به ثبت رسیده است.

اگر به حوادث جنگ تحمیلی - به ویژه روزهای اولیه جنگ - نگاهی دقیق بيفکنیم، به خوبی می‌فهمیم که این جبهه‌ها سرشار از الطاف امامان معصوم علیهم‌السلام؛ به ویژه امام عصر علیه‌السلام بوده است؛ چرا که طبق آمار و مستندات مراکز تحقیقاتی استراتژی جنگ، ملت ایران فقط با کشور عراق نمی‌جنگید و صدام از کشورهای زیادی کمک‌های انسانی و تسلیحاتی می‌گرفت؛ برای نمونه «کشور سودان، صدها تن از سربازان ارتش سودان را به عراق اعزام کرد، تا در جبهه‌های شرقی رودخانه میسیان در خط مقدم فعالیت کنند». همچنین «افسران اسرائیلی برخی موانع دفاعی مانند "موانع فکه" و "مثلی‌ها" را طراحی کردند». بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند «آلمان»، «فرانسه»، «امریکا»، «ایتالیا»، «سوئیس»... نیز علاوه بر کمک‌های مالی، با در اختیار قراردادن تسلیحات نظامی و اطلاعات جاسوسی و ماهواره‌ای به عراق، این کشور را روز به روز برضد ملت ایران که واقعاً از نظر نظامی محروم بود، مجهزتر می‌کردند.

با توجه به این نکات که تنها بخشی از آمارهای موجود در این باره است و با توجه به امکانات نظامی بسیار کم ایران و نداشتن یک نیروی منسجم و با تجربه نظامی، همچنین با توجه به تحریم اقتصادی کشور و ده‌ها دلیل دیگر، باز هم مردم شهادت‌طلب ابران با تکیه بر الطاف الهی به مبارزه ادامه دادند.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

ما غریبانه جنگیدیم. در دوره جنگ، ارتش ما غریب، سپاه ما غریب، بسیج

۱. محمدباقر حیدری کاشانی، *نسل طوفان*، قم، زلال کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۸۳، (به نقل از لایه‌های پنهان جنگ).

۲. *ویژه‌نامه حماسه فتح خرمشهر*، ص ۲۷، (به نقل از لایه‌های پنهان جنگ).

ما غریب بود. کسانی که می‌خواستند حقیقتاً جانفشانی کنند، با غربت می‌جنگیدند. از چه جهت غریب؟ از این جهت که هیچ نقطهٔ دنیا با ما موافق نبود... همهٔ کشورهای اروپای شرقی از عراق حمایت می‌کردند و به او سلاح و امکانات می‌دادند.^۱

آری؛ تنها چیزی که با وجود دشمنان بسیار زیاد و امکانات بسیار کم، ملت ایران را شکست‌ناپذیر کرد، امیدواری آنان به پیروزی اسلام بر کفر بود. همین امیدواری آنان بود که عقیدهٔ آن‌ها به راه و مکتبشان را روز به روز محکم‌تر می‌کرد. آنان با لمس کردن عنایات الهی و امدادهای غیبی و توجهات امام معصوم علیهم‌السلام باور داشتند که برحق هستند و دست دیگری هست که این جنگ را هدایت می‌کند و سنگر به سنگر پیروزی نصیب آن‌ها می‌نماید.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

در روز پانزدهم دی ماه سال ۱۳۵۹ من این احساس را واقعاً در خود وجدان کردم که صاحب این میدان، صاحب این بیابان‌ها، صاحب این صحنه پرشور و عظیم (اشاره به جبهه‌های جنگ) ولی عصر^{علیه‌السلام} است و بی‌گمان امام زمان^{علیه‌السلام} هم‌اکنون با جسم و حضور جسمی و بدنی‌اش، یا با توجهش، در میان این جنگاوران و جنگجویان است.^۲

دلیل دیگر بر این ادعا که چرخاننده اصلی جنگ الطاف الهی و عنایات امامان و به ویژه امام زمان^{علیه‌السلام} بوده‌اند این نکته است که اگر به سن و سال فرماندهان جنگ در رده‌های مختلف توجه کنیم می‌فهمیم که گردانندگان به ظاهر دسته اول جنگ، بین بیست تا سی سال سن داشته‌اند؛ برای نمونه شهید خرازی در سن ۲۷ سالگی، شهید علیرضا موحد دانش در سن ۲۵ سالگی، شهید حاج محمد ابراهیم همت در سن ۲۸ سالگی و شهید حسن باقری در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسیده‌اند. علاوه بر فرماندهان جنگ بیشتر کسانی که وارد میدان نبرد شدند، در سن کم و در بهار عمر

۱. ماهنامه فرهنگی/اجتماعی فک، ش ۳۸، ص ۱.

۲. مرتضی نائینی، پیشین، ۱۳۸۰، ص ۱۹ - ۶۰.

خود بودند. خاطرات شهدای عزیز ما مملو است از داستان‌ها و خاطراتی که برخی از مشتاقان به خاطر سن کم و عشق به دفاع از دین خود، در شناسنامه‌هایشان دست می‌بردند، تا مشکل سنی خود را حل کنند. امثال حسین فهمیده و مسعود کمالی‌نیا‌های سیزده ساله و بهنام محمدی‌ها در جای جای جبهه‌ها کم نبودند که جاذبه معنوی نایب امام عصر (ع) قلوب عاشق آنان را جذب کرد و راهی میدان‌های نبرد شدند. اگر کسی ادعا کند همه این‌ها به تنهایی توانستند جنگ را اداره کنند، اولین چیزی که این ادعا را رد می‌کند، سن کم رزمندگان می‌باشد. طبق آمار، «۱۵۲۰۰ تن از شهدای دفاع مقدس، بین ۱۴ تا ۲۴ سال سن داشته‌اند»^۱.

همین افراد با سن کم خود، حماسه‌ها آفریدند؛ چون می‌دانستند این جنگ، بین اسلام و کفر است و سرانجام، اسلام است که پیروز می‌شود. آنان، عقیده داشتند، پرچم اسلام در آینده‌ای نه چندان دور به وسیله امام عصر (ع) بر کل عالم سایه می‌افکند و خودشان را سربازان امام زمان می‌دانستند و در این راه، تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌بستند و از مصادیق بارز این آیه شریف شدند که: «إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۲.

تأثیر دفاع مقدس بر فرهنگ مهدویت

سال‌های نه چندان دور، تیرها و تیغ‌ها، توپ‌ها و تانک‌ها، تفنگ‌ها و قناسه‌ها، مین‌ها و نارنجک‌ها، سرنیزه‌ها و سیم‌خاردارها، حسینی‌ها و یزیدی‌ها، ابراهیم‌ها و نمرودها.... گرد هم جمع آمدند، تا از اروندها و شلمچه‌ها، از طلائیه‌ها و دهلاویه‌ها، از رملستان‌های فکه تا دشت عباس سرسبز، از کوه‌های پربرف غرب، تا دشت‌های بسیار گرم جنوب، «تپه الله اکبر»، «تپه المهدی» و «تپه‌های رملی فکه» و در وجب به وجب جبهه‌های جنوب و غرب کشور، یک بار دیگر سپاهیان اسلام، مقابل تمام

۱. ویژه‌نامه حماسه فتح خرمشهر، خرداد ۸۳، ص ۲۶.

۲. فصلت (۴۱): ۳۰.

کفر صف بکشد؛ شیرمردان سبز قامت، با تمام توان، پای در شط خون نهند و تاریخ را متحیر رزم خود نمایند؛ شقایق صفتانی که حماسه آفریدند و هشت سال دفاع را به یک فرهنگ مقدس تبدیل کردند، تا تشنگان حقیقت بتوانند به خوبی از این فرهنگ محمدی و علوی و مهدوی نهایت استفاده را ببرند. رهبر عزیزمان چقدر حکیمانه می‌فرماید:

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم یا نه؟ این هنر ما است که بتوانیم استخراج کنیم. امام سجاد علیه السلام توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند. امام باقر علیه السلام و ائمه بعد از ایشان، استخراج کردند و آن‌چنان این چشمه جوشان را جاری نمودند که هنوز هم جاری است و همیشه در زندگی مردم منشأ خیر بوده، همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد. الآن هم همین‌طور است.^۱

اگر ما با چشم گنج بودن به جنگ نگاه کنیم، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، یکی از فرهنگ‌های ناب که در درون این گنج نهفته است، فرهنگ مهدویت می‌باشد. این فرهنگ را از جنبه‌های مختلف می‌توانیم در درون این گنج بررسی کنیم. دفاع مقدس بر فرهنگ مهدویت، تأثیرات زیادی دارد که در ذیل، به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

معرفی فرهنگ مهدویت

چون فرهنگ انتظار، با منافع استکبار سازگاری ندارد، همه سعی و تلاش استکبار این است که با تبلیغات گسترده خود، مردم را سرگرم مادیات و جلوه‌های فریبنده دنیایی کند، تا دیگر به خودسازی و پیشرفت معنوی روی نیاورد. برای مبارزه با این فرهنگ، از شگردهای مختلفی استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها، کم‌رنگ جلوه دادن انتظار و

۱. ۷۰/۴/۲۵ در دیدار با مسئولان، نویسندگان و هنرمندان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

فرهنگ مهدویت است. دشمن، علاوه بر کم رنگ جلوه دادن این فرهنگ، پا را فراتر گذاشته و اصل این فرهنگ را انکار می‌کند. به قول رهبر معظم انقلاب:

قدرت‌های استکباری، خواهان غفلت و خواب‌آلود بودن و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعیتی را بهشت خود می‌دانند؛ اما انتظار فرج، موجب می‌شود که انسان، به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعیتی بهتر و برتر دست پیدا کند.^۱

آنان در موقعیت‌های مختلف سعی کرده‌اند این فرهنگ را به فراموشی بسپارند؛ برای نمونه در بسیاری از دایرةالمعارف‌های معروف دنیا که باید انصاف به خرج بدهند و حقایق را بنویسند، متأسفانه دربارهٔ مسأله مهدویت برعکس عمل شده و شدیداً آن را انکار کرده‌اند.

در *دایرةالمعارف بریتانیکا* و *دایرةالمعارف دین و اخلاق* مارگلی یوت و همچنین در *موسوعة المورد فرهنگ مهدویت* را فرهنگی ساختگی تلقی کرده‌اند. دلیل این امر نیز بسیار واضح است. دشمنان شیعه می‌دانند که مسأله مهدویت و اعتقاد به آن، به اهداف آن‌ها ضربه می‌زند و تا زمانی که مردم، به سلاح مهدوی مجهز هستند، دشمنان نمی‌توانند آن‌ها را در اختیار داشته باشند و برنامه‌های خود را بین آن‌ها پیاده کنند؛ ولی دفاع مقدس ما توانست به خوبی فرهنگ انتظار و مهدویت را به گوش جهانیان برساند و به آن‌ها بفهماند که از عوامل مهم پیروزی ملت ایران مقابل زورگویان عالم، روحیه انتظار و فرهنگ مهدویت است؛ چرا که روحیه انتظار، افراد یک جامعه را ظلم‌ستیز می‌کند. دلیل این مطلب، نتایج کنفرانس تل آویو است که در دسامبر سال ۱۹۴۸ م برگزار شد. و برابر مسأله مهدویت، واکنش نشان داد.^۲ (همین مسأله باعث ساختن بازی‌های کامپیوتری مانند «یا مهدی» و نوشتن کتاب‌هایی مثل «Next war» می‌شود که در سطح وسیعی در اروپا و آمریکا پخش و منتشر شد).

۱. مرتضی نائینی، پیشین، ص ۳۷.

۲. حسن بلخاری، *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، انتشارات حسن افرا، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۰۰.

زمینه‌سازان ظهور

یکی دیگر از تأثیرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدویت، فراهم کردن زمینه ظهور منجی عالم بشریت، بیش از گذشته می‌باشد.

اندیشه نجات از بی‌عدالتی و ظلم و جور که از ابتدای تشکیل جوامع بشری آغاز شده و توسط پیامبران بر آن تأکید شده است. توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بیش از گذشته روشن شد. حتی ویژگی‌های این منجی موعود، آشکارتر شد و مصداق خاصی یافت که همان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد.

بخش زیادی از روایات در عرصه فرهنگ مهدویت، به نشانه‌های آمدن حضرت مهدی علیه السلام اختصاص یافته است. یکی از این نشانه‌ها، ایجاد حکومت دینی و زمینه‌ساز از مشرق می‌باشد که قبل از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، افکار عمومی دنیا را برای تشکیل حکومت آن حضرت آماده کند و شاید این حکومت، همان حکومت پربرکت جمهوری اسلامی ایران باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت مهدی فراهم می‌سازند»^۱.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

گویی می‌بینم مردمی در شرق قیام کرده، حق را طلب می‌کنند؛ ولی به آنان نمی‌دهند. دوباره حق را می‌طلبند و به آنان داده نمی‌شود. وقتی اوضاع را چنین دیدند، شمشیرهای خود را برشانه‌ها می‌گذارند. آن‌گاه حاضر می‌شوند که حق آنان را بدهند؛ اما آنان دیگر قبول نمی‌کنند، تا این که قیام می‌کنند [حکومت تشکیل می‌دهند] آن [حکومت] را جز به صاحب شما [امام زمان علیه السلام] تحویل نمی‌دهند. کشته‌های آن‌ها شهید به شمار می‌روند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر،

۱. «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی سلطانه»: شیخ علی یزدی حائری، الزام الناصب، بیروت، مؤسسة الاعلامی للمطبوعات، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۱۴.

نگاه می‌دارم.^۱

با سیری گذرا در تاریخ، می‌بینیم پس از گذشت قرن‌ها از ظهور دین اسلام، متأسفانه این دین، به دست دشمنان افتاد و جهانیان این دین سرشار از پاکی را به نام اسلام اموی و وهابی شناختند؛ ولی ظهور انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس که از اصلی‌ترین مقومات این انقلاب است، صدای اسلام محمدی را به گوش جهانیان رساند. ملت ایران، افتخار دارد که بر افکار عمومی چنین تأثیری گذاشته است. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

چه کوتاه نظرند آن‌هایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه‌ها به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است! در حالی که صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ما است؛ علاقه به اسلام‌شناسی مردم در کل جهان، از جنگ هشت ساله ما است.^۲

حماسه‌سازان هشت سال دفاع مقدس، با اهدای خون خود، ریشه‌های انقلاب را محکم کردند و مقابل حوادث و بلاهای سخت، آن را حفظ کردند و با روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و فداکاری خود، زمینه‌ساز ظهور حضرت بقیه‌الله علیه السلام شدند.

شهادت، مرگی است آگاهانه که شخصی جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و آن را فدای دین و مذهبش می‌کند. به نظر شهید مرتضی مطهری، «شهادت، دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد؛ هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر آن که آگاهانه صورت گرفته باشد».^۳

۱. «کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه فاذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما سالوا فلا يقبلون حتى يقدموا و لا يدفعونها الا الى صاحبكم، قتلاهم شهداء، اما انى لو ادركت ذلك لا ستبقيت نفسى لصاحب هذا الامر»؛ محمد بن ابراهيم نعماني، پیشین، ص ۱۴۵.

۲. امام خمینی، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۱۴.

۳. شهید استاد مرتضی مطهری، **قیام و انقلاب مهدی**، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۷ش، ص ۷۱.

حال، جای این سؤال هست که آیا کسی بدون داشتن روحیه شهادت طلبی می تواند خود را منتظر واقعی بداند و ادعا کند که منتظر آمدن آن حضرت می باشد، در حالی که از بذل جان خود در راه این هدف مقدس خودداری می کند؟ بدون شک کسانی می توانند خود را منتظر واقعی معرفی کنند که بتوانند آن وجود پاک را یاری کنند و تا آخرین قطره خون خود، دست از یاری حضرت برندارند. و این، دقیقاً همان کاری بود که رزمندگان ما با نایب امام عصر علیه السلام کردند.

منتظری که شهادت طلب نباشد، چطور می تواند در جنگی که مقیاس جهانی دارد، شرکت کند؟! شهید زین الدین در این باره می گوید: «در دوران غیبت، به کسی منتظر می گویند که منتظر شهادت باشد»^۱.

با بررسی خاطرات و حالات شهدای جنگ، به وضوح پی می بریم که چقدر آگاهانه این مرگ سرخ را انتخاب کرده اند؛ لذا با ترویج فرهنگ دفاع مقدس، می توان نسل منتظر را آبدیده تر کرد.

سید شهیدان اهل قلم؛ سید مرتضی آوینی می گوید:

قرن ها زمین، انتظار مردانی این چنین را می کشد تا بیایند و کربلای ایران را عاشقانه بسازند و زمینه ساز ظهور باشند. آن مردان، آمدند و رفتند و فقط من و تو جا مانده ایم و از این جریان، چیزی نفهمیدیم. آیا پس از سالها، وقت آن نرسیده است که به خود آییم؟

در جایی دیگر می گوید: «امام، به ما آموخت که انتظار، در مبارزه است و این، بزرگترین پیام او بود. پس از او اگر باز هم امیدی ما را زنده نگاه می دارد، همین است که برای ظهور آخرین حجت حق، مبارزه کنیم».

آری؛ امام خمینی علیه السلام با آگاهی، بصیرت و شجاعتی که داشت، به انقلاب اسلامی اقدام کرد، تا زمینه های انقلاب اسلامی مهدوی را فراهم کند. او، همه عاشقان

۱. محمد قاسم فروغی جهرمی، *ره یافتگان وصال*، ناشر مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۳.

حضرت مهدی علیه السلام را از منظر فکری رهبری کرد و به آن‌ها آموخت که منتظر پیروزی نهایی باشند. البته نه این که معجزه‌ای بشود و کارها خود به خود درست بشود، بلکه باید خون دل خورد و استقامت کرد. آن بزرگوار، جمله معروف «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»^۱ را بیان کرد؛ یعنی تا آن‌جا که قدرت دارید، به نبرد ادامه دهید، تا این که فتنه از عالم برداشته شود. امام کاظم علیه السلام قرن‌ها پیش این منتظران را این گونه نوید داده است:

مردی از اهالی قم، مردم را به سوی حق فرا می‌خواند. گروهی که دل‌های آنان، چون پاره‌های آهن است، گرد او جمع می‌شوند. طوفان‌های سخت، آنان را نمی‌لرزاند و از جنگ خسته نمی‌شوند و بی‌می‌به خود راه نمی‌دهند؛ بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت، از آن پرهیزکاران است.^۲

آقای کورانی از محققان فرهنگ مهدویت در این باره می‌گوید:

روایات، تاریخ وجود این مرد را مشخص نکرده‌اند؛ ولی در تاریخ قم و ایران، چنین شخصیت و یارانی دارای این صفات برجسته قبل از امام خمینی علیه السلام و یارانش بی‌سابقه بوده است..... گاه گفته می‌شود: درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده‌ای را با یارانی دارای چنین صفات برجسته کسی سراغ نداشته است... اما دلیلی هم نداریم که این روایت، منطبق بر امام خمینی و یاران وی باشد، شاید منظور، مرد دیگری باشد که در عصر و زمان ما ظاهر خواهد شد و یا این که بعد از مدتی طولانی یا کوتاه خواهد آمد....

پاسخ: آری درست است که در روایت آن‌گونه که بیان کردیم، زمان این پیشامد روشن نشده است؛ اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده، به علاوه آنچه که در روایات متعدد دیگر درباره قم و ایران وارد شده است، موجب اطمینان به این معنا است که مراد از صفات یاد شده، امام خمینی و یاران

۱. امام خمینی، پیشین، ج ۱۹، ص ۸۲.

۲. «رجل من اهل قم يدعوا الناس الى الحق معه قوم كز بر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف لا يملون من الحرب و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين»؛ علامه مجلسی، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

وی می‌باشد...؛ بنابراین اگر پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام از حادثه و پیشامدی خبر دادند که منطبق بر وضع موجود باشد، معقول نیست از آن چشم‌پوشی کرد و آن را بر قضیه حادثه‌ای مشابه آن یا واضح‌تر که وعده پیامبر ﷺ، و اهل بیت او علیهم‌السلام بر آن منطبق شود، حمل نماییم...^۱.

الگوهای مناسب برای منتظران

یکی از تأثیرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدویت، الگوسازی برای نسل منتظر و یاوران حضرت می‌باشد. هر انقلاب، به یاران و همراهان فداکاری نیاز دارد تا به کمک‌های فیزیکی و معنوی آن، انقلاب را به پیش ببرند. حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ نیز از این قاعده مستثنا نیست و مسلماً به کمک یاران و همراهی مخلصانه نیاز دارد.

روایات، ویژگی‌های خاصی برای یاران حضرت ذکر می‌کنند که با تفکر در آن‌ها و تشخیص میزان انطباق خودمان بر این ویژگی‌ها، می‌توانیم بفهمیم در این مبارزه جهانی، چه جایگاهی داریم. آیا ما نیز در خیل سپاه حضرت هستیم یا مقابل آن حضرت، صف می‌کشیم؟

برخی گمان می‌کنند ویژگی‌هایی که در روایات، برای یاران حضرت ذکر شده، ویژگی‌هایی کاملاً استثنایی است و اگر در روایات آمده است: «مردانی که قلب‌هایشان چون پاره‌های آهن است» یا این که «هر مرد از آن‌ها، قوت چهل مرد را دارند» یا روایاتی که خبر از مناجات‌های خالصانه در دل شب‌ها و جنگیدن شجاعانه در روزها می‌دهند، همه این‌ها را کسی نمی‌تواند دارا باشد؛ به ویژه در این مقطع زمانی که مردم غرق مادیات شده‌اند و هرکسی به فکر منافع شخصی خود است؛ ولی دفاع مقدس ما ثابت کرد حتی در عصری که عصر ظلم و ستم است، باز هم

۱. علی کورانی، عصر ظهور، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ سوم، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۲. علامه مجلسی، پیشین، ج ۵، ص ۳۸.

می‌توان این ویژگی‌ها را کسب کرد. به عبارتی دیگر رزمنده‌های ما در طول جنگ، این روایات را عملاً تفسیر کردند و نشان دادند که یاری حضرت در هر عصر و هر زمانی ممکن است؛ هر چند آن زمان، پر از گناه و معصیت باشد و بر تمام آن روایات مهر صحت زدند. شهدای ما، بهترین مصداق برای این ویژگی‌ها هستند؛ مصداق‌هایی که سال‌های نه چندان دور در همین کوچه‌های زمینی کنار ما زندگی می‌کردند؛ ولی اکنون آسمانی شده‌اند. شهدای ما، مصداق «یجاهدون فی سبیل الله» هستند؛ آنان نمونه بارز «زبرالحدید» هستند، مصداق بارز «من انصاره و اعوانه» هستند، آنان مصداق «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» هستند، شهدای ما الگوهای مناسبی برای مهدی باوران و مهدی یاوران هستند.

شهدای ما ویژگی‌های زیادی از ویژگی‌های یاران امام عصر علیه السلام را داشتند که در ذیل به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف. روحیه شهادت طلبی

روحیه شهادت طلبی و هدیه جان در راه جانان، در جبهه‌ها موج می‌زد؛ چون با آگاهی و بصیرتی که داشتند، یقین پیدا کرده بودند پا در راهی گذاشته‌اند که حق است.

اگرما شنیده‌ایم مولای متقیان، امیرمؤمنان در وصف یاران امام عصر علیه السلام می‌فرماید: «[یاوران مهدی] شهادت را می‌طلبند و همواره آرزو دارند در راه خدا کشته شوند»^۱، دفاع مقدس ما این واقعیت را ملموس‌تر کرد و در معرض تماشای خیل منتظران قرار داد، تا بتوانند شهادت طلب باشند.

این که شهید زین الدین فرمانده دلاور لشکر علی ابن ابی طالب علیه السلام در اولین برخوردها با همسرش می‌گوید: «شما باید بدانید من قبلاً ازدواج کرده‌ام. من با جبهه

۱. «یدعون بالشهادة و یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله»: علامه مجلسی، پیشین، ج ۵، ص ۳۰۴.

و جنگ ازدواج کرده‌ام و شما همسر دوم من هستید. انتهای راه من، شهادت است و اگر جنگ تمام شود و من شهید نشوم، هر کجا که جنگ حق بر ضد باطل باشد، می‌روم تا شهید شوم^۱ نشان دهنده روحیه شهادت‌طلبی او و امثال او است.

برخی از شهدا، آن قدر شیفته شهادت بودند و با دعا و راز و نیاز با خداوند و توسل به امام معصوم علیه السلام این تمنا را داشتند و به سبب صفای باطن خود، به این معرفت رسیده بودند که نحوه شهادت و زمان و مکان شهادت خودشان را می‌دانستند و به رفقای هم‌رزم خود اعلام می‌کردند؛ برای نمونه سردار رشید اسلام، عبدالحسین برونسی فرمانده تیپ ۱۸ جوادالائمه علیه السلام که در رشادت و ایثارگری زبانزد بود، قصه شهادتش آن قدر برایش روشن بود که به هم‌رزم‌هایش گفته بود: «اگر من در فلان تاریخ و فلان جا شهید نشوم، به مسلمانی من شک کنید». یکی از هم‌رزمان او می‌گوید: چند روز قبل از عملیات بدر، توی چادر فرماندهی نشسته بودیم.... یک دفعه گفت: اخوان! این عملیات، دیگه عملیات آخر منه پرسیدم: «حاجی! چی شده که این روزها همه‌اش از شهادت حرف می‌زنی؟» گریه‌اش کمی آرام گرفت. ادامه داد: مطمئنم توی این عملیات مهلتی را که برام مقرر کردن تا روی این زمین خاکی زندگی کنم. تموم می‌شه؛ باید برم^۲.

همچنین حاج قاسم میرحسینی جانشین فرمانده لشکر ثارالله که قبل از عملیات کربلای چهار رفقاییش نگران این بودند که آسیب نبیند، می‌گفت: نترسید. توی این عملیات شهید نمی‌شوم. حتی مجروح هم نمی‌شوم، «ولی در شب عملیات کربلای پنج اشاره به پیشانی‌اش کرد و گفت: تیر، این جای من می‌خورد و من شهید می‌شوم».... و همان شد که گفت^۳.

۱. حیدری کاشانی، پیشین، ص ۸۹

۲. سعید عاکف، خاکهای نرم کوئیک، سال نشر ۱۳۸۵ ش، ص ۲۵۰.

۳. ابراهیم رستمی، کرامات الشهداء، قم، انتشارات حدیث نبوی، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۱

ب. محکم و استوار و مبارز بودن

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «همانا دل هر مردی از ایشان [یاوران مهدی] از پاره‌های فولاد، محکم‌تر و استوارتر است. اگر به کوه‌ها بگذرند، کوه‌ها هم در هم فرو می‌ریزند»^۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «راد مردانی که قلوبشان سخت‌تر از سنگ، چون پاره‌های آهن است، بدون هیچ شک و تردیدی به ذات خداوند^۲».

در این دو روایت، صفاتی مانند مقاوم بودن، مبارز بودن، ایمان قوی و.... وجود دارد که دفاع مقدس الگوهای خوبی در این زمینه معرفی می‌کند. جای جای جبهه‌های جنگ، رزمنده‌ها حیدر گونه می‌جنگیدند و خستگی به خود راه نمی‌دادند. خاطرات شهدا، پر است از نخواستن‌های متوالی و مبارزه‌هایی که با قلم قابل وصف نیستند. شهید خرازی ده‌ها بار مجروح می‌شود و بنا به نقلی بعد از ۲۷ بار مجروحیت به شهادت می‌رسد. نقل شده است که به سبب یکی از مجروحیت‌هایش دکتر ۴۵ روز به او استراحت داده بود و او را به خانه آورده بودند. هنوز عصر نشده بود که گفت: «بابا! من حوصله‌ام سر رفته» گفتم: «چه کار کنم؟» گفت: «من را ببرید سپاه تا بچه‌ها را بینم». بردمش، تا ساعت ده شب خبری از او نشد. ساعت ده تلفن زد و گفت: «من اهوازم، بی‌زحمت داروهایم را بدهید یکی بیاورد»^۳.

شهید مهدی باکری در وصف پاسدار می‌گوید: «پاسدار یعنی کسی که کار کند و بجنگد؛ خسته نشود، نخوابد^۴ و واقعاً خودش هم همین‌طور بود. این‌ها همه نشانه‌های استواری آنان بود و این استواری و مقاومت و مجاهدت چقدر زیبا توسط

۱. «ان قلب رجل منهم اشد من زبر الحديد لو مروا بالجال لتدكدت»؛ القندوزی، *ینابیع الموده*، ناشر دارالاسوه، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۳۰.

۲. «رجال کان قلوبهم زبر الحديد لايشوبها شك فى ذات الله اشد من الحجر»؛ علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۸.

۳. محمد نیلچی، *و خدا بود و دیگر هیچ نبود*، ص ۱۲۵.

۴. بهزاد دانشگر، *خدمت از ماست*، بوستان فدک، ۱۳۸۲ش، ص ۱۶۱.

شهدا در جای جای جبهه‌ها به نمایش گذاشته شد.

با توجه به این که فرهنگ مهدویت با بیانی مختصر به معنای «زندگی مهدوی و امام زمان پسندانه» می‌باشد، یکی از جلوه‌های زیبای این زندگی، واکنش مقابل ظلم و ظالمان می‌باشد. این جلوه زیبا، در دوران جنگ تحمیلی، بیشتر ظهور یافت، چرا که ملت ایران، مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی و همچنین مقابل دست نشانده استکبار در منطقه، خیزش عظیمی انجام داد. اتحاد ملت ایران بسیج شدند. این خیزش، دارای یک پشتوانه بسیار قوی بود که عبارت بود از عشق و علاقه مردم غیور ایران به امام عصر علیه السلام که در قالب تبعیت از امام راحل رحمه الله متجلی شد. اگر جنگ ما این پشتوانه را نداشت، اصلاً قداست و معنویتی نداشت و ملت ایران به خوبی و از روی اشتیاق وارد جبهه‌ها نمی‌شدند و جان خود را آگاهانه و عاقلانه و عاشقانه فدا نمی‌کردند و این چنین پای در شط خون نمی‌گذاشتند. فرهنگ مهدویت به جبهه‌ها رونق می‌بخشید و دفاع مقدس نیز با جلوه‌های متنوع خود، فرهنگ مهدویت را پر بارتر و عمیق‌تر کرد. ان شاء الله خداوند به ما و تمام منتظران واقعی توفیق عنایت فرماید تا با تاسی به سیره عملی شهدا که یاران آخرالزمانی امام عصر علیه السلام، می‌باشند، زمینه ظهور حضرتش را بیش از پیش فراهم کنیم.

